



به هیچ صراطی مستقیم نیستند

غلامرضا ظریفیان، معاون وزیر علوم در دولت اصلاحات در گفت‌وگو با ایسنا بر خورد جریان‌های تندرو با دولت را بعضاً غیرمنصفانه توصیف کرد و گفت: «دولتی که جنگی سخت را پشت سر گذاشت و هنوز به ثبات کامل نرسیده، طبیعی است که با انباشت ناکارآمدی‌های داخلی روبه‌رو باشد. تقد‌های جدی به دولت وارد است، اما تهمت‌ها و انتظارات ناروا از دولتی که با مشکلات داخلی و فشارهای خارجی مواجه است، قابل قبول نیست. جریانی که اکنون دولت چهاردهم را هدف قرار داده، در گذشته نسبت به عملکرد دولت‌های نزدیک به خود چشم‌پوشی کامل داشت. به نظر می‌رسد حمایت مقام رهبری از دولت حمایتی معقول و منطقی است تا دولت بتواند با حاشیه‌های کمتری به کار خود ادامه دهد. جریان تندرو به هیچ صراطی مستقیم نیست و به اشکال مختلف فشارهای خود را بر دولت و جامعه ادامه خواهد داد.» استاد بازنشسته تاریخ دانشگاه تهران با اشاره به شرایط مدیریت کشور گفت: «دولت بار سنگینی از مشکلات انباشته اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را حمل می‌کند و برای عبور از این مسیر به بازوهای فکری، اندیشه‌های قوی و تجربه مدیریتی نیاز دارد. دولت باید پس از یک سال و اندی، یک ارزیابی جدی از وضعیت مدیریتی خود داشته باشد. برخی قوانین و مقررات دست‌وپاگیر باید هر چه سریع‌تر با همکاری مجلس و دستگاه‌های زیرمجموعه دولت اصلاح شود. با وجود این محدودیت‌ها دولت قادر نیست بار مشکلات را بردارد.»

آماده مقابله

با هر تهدیدی هستیم

علی جهانشاهی، فرمانده نیروی زمینی ارتش در آیین تکریم و معارفه فرمانده جدید قرارگاه منطقه‌ای جنوب شرق ارتش، با تأکید بر اقتدار نیروهای مسلح گفت: «جمهوری اسلامی ایران با اتکا به توانمندی‌های داخلی و هدایت رهبر معظم انقلاب، دشمن را در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه ناکام گذاشت و آمادگی نیروهای مسلح امروز بیش از پیش افزایش یافته است.» او با مقایسه جایگاه تاریخی ایران و اسرائیل گفت: «رژیم صهیونیستی با وجود حمایت‌های خارجی عمری کوتاه دارد، اما ایران با هزاران سال تمدن و عمق استراتژیک، همواره در برابر توطئه‌ها و پروژه‌های بی‌ثبات‌سازی مقاومت کرده است.» جهانشاهی با اشاره به تجربیات دفاعی کشور تصریح کرد که هرگاه به توان داخلی اتکا شد، استقلال عملیاتی حاصل شده و دشمن ناکام مانده است. وی افزود: «توان موشکی و پدافند هوایی کشور و همچنین فناوری‌های نوین نیروهای مسلح امروز حرف‌های جدی برای گفتن دارند.» وی نقش راهبردی رهبر انقلاب و مردم را در هدایت موفقیت‌آمیز عملیات و مقابله با عملیات روانی دشمن حیاتی دانست و افزود: «نیروهای مسلح با تجهیزات کامل و آمادگی تمام، گوش به فرمان رهبری هستند و توان مقابله با هر تهدیدی را دارند.»

حذف نمادین برخی بودجه‌ها

جلال رشیدی کوچی، نماینده سابق مجلس در گفت‌وگو با خبرنگاران، درباره احتمال حذف بودجه برخی نهادهای فرهنگی گفت: «آقای پزشکیان خودشان چند دوره نماینده بودند و اشراف کاملی نسبت به این موضوع دارند. از سویی هم نهادهای ارگان‌ها و بنیادهای متعددی که در حوزه فرهنگی و مذهبی شکل گرفته‌اند، که عملاً می‌بینیم جز ایجاد تنفر، خروجی دیگری ندارند. بودجه‌ای هم که برای این‌ها در نظر گرفته می‌شود، بودجه کمی نیست؛ درست است شاید هر کدام به‌صورت جداگانه عدد کوچکی داشته باشند، اما وقتی جمع زده می‌شود، رقم قابل توجهی می‌شود.» او ادامه داد: «به نظر من، آقای پزشکیان باید شجاعت این موضوع را داشته باشند که بودجه ارگان‌ها و بنیادهای فرهنگی را حذف کنند. البته قطعاً وقتی ما این موضوع را مطرح کنیم، ممکن است رئیس‌جمهور محترم بگویند که مجلس اجازه انجام این کار را نمی‌دهد، اما بالاخره ایشان برای نشان دادن حسن نیت خود باید این کار را انجام دهند، که من فکر می‌کنم هیچ‌وقت این کار را انجام ندهند. اما ای کاش حتی به‌صورت نمادین هم که شده، چند مورد از این بودجه‌ها را حذف کند.»

اندرزهای ققیه

گفت‌وگو با **سید مصطفی محقق داماد** درباره فقه، سیاست و عدالت به بهانه انتشار کتاب جدیدش



عکاس: دستاره کاظمی، هم‌چنین

❖ **کتابی با عنوان «اندرز به فقیه» به قلم شما اخیراً منتشر شده است. با توجه به اینکه این کتاب براساس توضیحات توصیبت اعلامه حلی به فرزندان فخرالمحققین است و انتظار این است که کتاب مخاطب خاص داشته باشد اما محتوای آن نشان از آن دارد که مخاطبش جامعه و حتی عام است. چرا به نظرتان آمد «وصیبت‌نامه» می‌تواند در زمان فعلی برای جامعه ما اهمیت داشته باشد؟**

بسم‌الله الرحمن الرحیم. عرض کنم که من حدود ۴۰ سال است که قلم بر دست دارم و می‌نویسم و تا امروز و کتابی که شما به آن اشاره کردید پنجاه و دومین جلد از آثار بنده است که منتشر شده است. بنده در سال‌های اول شروع کردم یک دوره اصول برای نسل دوره‌های ابتدایی و متوسطه نوشتم (سه جلد؛ یک دوره کامل قواعد فقه نوشتم؛ آن هم برای ابتدایی و متوسطه. بعد از چند سال یک دوره اصول عالی برای سطح عالی نوشتم و پس از آن شروع کردم با یک نوع تحریر جدید از فقه (نه به سبک آنچه در کتب سنتی ما هست) نظریه عمومی شروط و التزامات را نوشتم که یک نوع نگارش جدیدی از تعهدات در فقه شیعه است و در دو جلد منتشر شد. نظریه عمومی نفی دشواری، نظریه عمومی منع سوءاستفاده از حق که دقیقاً قاعده معروف لاضرر و لاضرر در آن کتاب به دوقاعده ایکی قاعده لاضرر

و دیگری قاعده لاضرار) تقسیم کرده بودم سال گذشته منتشر شد. منظورم آن بود که در لاضرار یعنی آنجا که کسی حقی را می‌خواهد اعمال کند و از طریق حق به دیگری ضرر می‌رساند؛ در آنجا این بحث را به صورت مفصل انجام داده بودم و در چندین مجلدات مختلف، کتاب‌هایی از بنده در دسترس همه اهل تحقیق قرار گرفته است. برخی کتاب‌هایم هم در حوزه فلسفه بود؛ مانند حکمت برتر که به نوعی ابداعات ملاصدرا است. دو جلد تحولات اجتهاد شیعی بود و... اینها کتاب‌هایی بود که برای متخصصین و حقوقدانان و فقها و طلاب نوشته شده بود. مثلاً یکی از مجلدات قواعد فقه من تا الان ۵۵ بار چاپ خورده است؛ به دلیل اینکه کتاب درسی برای دانشجویان و طلاب است. پس از آن با خودم فکر کردم در سنینی که الان هستم و فکر می‌کنم مقطع آخر زندگی‌ام باشد باید کارهای عمومی هم انجام دهم؛ بنابراین به یکسری کارهای عمومی دست زدم؛ از جمله سه جلد کتاب درباره جهل مقدس که جلد اول آن «فاجعه جهل مقدس بود»، جلد دوم «در دادگاه جهل مقدس» و جلد سوم «جهل مقدس تابوت آتشین» اینها هم چندین چاپ داشته و در دسترس عموم قرار گرفته و کتاب‌های عمومی است و فقط برای متخصصین نیست اما در کتابی که شما مطرح کردید این اندرزی است به فقیهان، همیشه فقیه شاید خیال بکند چون فقیه است باید او به دیگران اندرز دهد و او به دیگری وصیت و توصیه و سفارش کند؛ همیشه در ذهن افراد این است که فقیهان اندرزکنان اند نه اندرزشنوندگان. در این کتاب به یک چهره شاخص علامه حلی و وصیتش به فرزندش اشاره شده است. علامه حلی در قرن هشتم می‌زیست و اینکه به او علامه می‌گفتند بیخود نبوده است. نه آن وقت بلکه در قرون متمادی در ادبیات اسلامی علامه‌ها افراد خاصی بودند یعنی افرادی که واجد چند رشته از علوم بودند. علامه حلی هم متکلم، هم فقیه، هم اصولی، هم فیلسوف، هم مفسر، هم ادیب است و رشته‌های مختلف دانش‌های اسلامی را متخصص بود. او پسری دارد به نام فخرالمحققین که شاگرد پدرش بوده است و در جوانی به در جات عالی فقا‌هت و اجتهاد رسیده است و از پدرش می‌خواهد کتابی برای او بنویسد. پدرش کتاب «قواعد الاحکام» را برای او نوشته است. علامه حلی کتاب در فقه مفصل زیاد دارد مانند «تذکر الفقها»، «مختلف الشیعه»، «منتبه‌المطلب» اما کتاب قواعد الاحکام را به صورت محدود و مختصر برای فرزندش فخرالمحققین نوشته است. جالب است که در این کتاب چند جا از آن استفاده شده که ایشان به مقام علمی فقا‌هت پسرش ایمان آورده است که این پسر چقدر ترقی در فقا‌هت کرده است. در آخر کتاب قواعد اولاً به او وصیت می‌کند که من که از دار دنیا می‌روم به اصطلاح امروزی آثارم را ویرایش و بازخوانی کن و اگر من خطایی کردم، خطای مرا اصلاح کن که من تحقیق کردم در چندین جا این فرزند بزرگوار آثار پدرش را بعدها تصحیح کرده است و موفق به اصلاح کارهای پدرش شده است و شر‌حی بر قواعد پدرش با عنوان «ایضاح الفوائد فی شرح القواعد» نوشت که زمان مرحوم آیت‌الله بروجردی، ایشان دست‌نور دادند که این کتاب به چاپ زیبا منتشر شود و در دست ماطلاب قرار گیرد ولی در آخر قواعد ایشان پسر فقیه مجتهد که‌نظیر خود را مخاطب قرار می‌دهد که توصیه‌هایی به ایشان می‌کند که درست است مخاطبش فرزند ایشان است اما گویی مخاطبش همه فقها و همه کسانی است که در شرایط فرزند ایشان هستند؛ یعنی فقیه‌اند، خوب درس خوانده‌اند و مجتهد شده‌اند، ترقی کردند ولی مهم است بدانند که باید پند و موعظه بشنوند. مسئله موعظه شدن، پند شنیدن و اندرز گرفتن یکی از آداب بزرگان ما بوده است؛ حتی رسول‌الله (صلوات‌الله و سلامه علیه) چون کسی بالاتر از او نبوده است به جبرئیل می‌گوید: «عظنی» یعنی مرا موعظه کن. پیغمبر اکرم به امیرالمومنین چقدر پند داده است. این پند کردن و پند شنیدن یکی از سنن بسیار زیبا در تاریخ اسلام بوده است. جناب علامه حلی مخاطب را پسرش قرار داده است؛ پسری که خودش فقیه است و به نظر پدر یک فقیه که‌نظیر است فلذا به او اجازه داده کتاب‌هایش را اصلاح کند. این پسر در یک چنین درجه‌ای از فقا‌هت و اجتهاد بالا مخاطب پدر قرار می‌گیرد و علامه چندین صفحه ایشان را پند و اندرز می‌دهد. این پند و اندرزها برخی اخلاقی محض است، برخی فقط برای آخرت به درد می‌خورد مثلاً اینکه در خواندن قرآن کوتاهی نکن اما بسیاری از آن جنبه‌های اجتماعی است که در اجتماع با مردم چگونه برخورد کن، با جوانان چگونه برخورد کن، با خانم‌ها چگونه برخورد کن، با خانم خودت چگونه برخورد کن، با سالخورده‌ها چگونه برخورد کن و با کارگرت چگونه برخورد کن و با اجتماع چگونه برخورد کن. این دستور را یک پدر سالخورده، مجربی که سال‌های سال زندگی را تجربه کرده و پسر خودش را مخاطب قرار داده است؛ گفته است اما در حقیقت سختش خطاب به همه است. برای نمونه یکی از آنها را که من در مقدمه آورده‌ام و خیلی جالب بود این است: که هیچ پدری این نصیحت را اینگونه به پسرش نمی‌کند که پسر جان من که فوت کردم من را ریادت بیآور اما مخفیانه، برای من طلب مغفرت بکن و... اما جلوی مردم می‌پدرم، پدرم نکن و هی متکی به پدر نباش. بسیاری را می‌بینیم که پدر بزرگی دارند اما کوچک می‌شوند از بس که مدام خودشان را وابسته به پدر می‌کنند. این دستوری که من انتخاب کردم برای الان، برای این است که من خود یک طلبه فقه‌ام و کارم فقا‌هت است، در فقا‌هت معلم؛ تدریس فقه، فلسفه و تفسیر می‌کنم اما یکی از کارهای عمده من تدریس فقه است ولی به شما بگویم، دیده‌ام افرادی که به خاطر بُعد فقا‌هت و درجه‌ای از فقا‌هت که می‌رسند، خیال می‌کنند دیگر هیچ عیبی در آنها نیست و نمونه کمال مطلق اند و دیگر هیچ کسی نمی‌تواند به آنها اندرز می‌دهد. اندرز گفتن به فقیه چیز تاز‌ای بود و به من می‌گفتند که ما تصویری کردیم فقیه باید اندرز بدهد. من هم گفتم بله این متن اندرز فقیه سترگی به یک فقیه بزرگ است که در کتابم آن جملات را با اتکا به منابع اسلامی، فلسفی، کلامی، تاریخی، حدیثی همه را شرح کردم و در اختیار اهل پژوهش، اهل فرهنگ و اهل فضیلت گذاشتم و امیدوارم خدا آن را از من قبول کند.

❖ **کتاب شما یک اشاره جالبی داشت و آن هم شرایط**